

هشدار جدید گروه هفت به ایران؛ غرب قید برجام را زد؟

بیانیه اخیر سران گروه هفت را می‌توان به نوعی عدول غرب از تعهد به احیا و اجرای کامل برجام تفسیر کرد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سران کشورهای عضو گروه هفته در بیانیه پایانی نشست خود در هیروشیما نسبت به برنامه اتمی ایران هشدار دادند.

بنا بر گزارش خبرگزاری اسپوتنیک، در سند منتشره چنین آمده است: «ما مجدداً بر عزم آشکار خود مبنی بر اینکه ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای تولید کند، تاکید می‌کنیم. ما عمیقاً نگران تشدید مداوم برنامه هسته‌ای ایران هستیم، برنامه‌ای که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری ندارد و به طور خطرناکی به فعالیت‌های واقعی مرتبط با تسلیحات نزدیک است. راه‌حل دیپلماتیک همچنان بهترین راه حل این مسئله است. در این زمینه، برنامه جامع اقدام مشترک همچنان یک راهنمای مفید است... همچنین خاطرنشان می‌شود که کشورهای گروه هفت از ایران می‌خواهند که اقدامات سریع و ملموسی برای انجام تعهدات قانونی و تعهدات سیاسی خود از جمله تعهدات مربوط به عدم اشاعه هسته‌ای و پادمان‌ها انجام دهد».

این کشورها در شرایطی در ادامه اتهامات ضدایرانی خود چنین ادعایی را اظهار داشته‌اند که جمهوری اسلامی بارها هر گونه تلاشی را برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای رد کرده است.

در همین شرایط، هادی خسروشاهین، پژوهشگر مسائل بین الملل، این بیانیه را نوعی عدول غرب از تعهد به احیا و اجرای کامل برجام تفسیر کرده است.

به اعتقاد خسروشاهین، بیانیه رهبران گروه ۷ در مورد خلع سلاح هسته ای در هیروشیما که محورهای متعددی را دربرمی گیرد، شاهد چرخش دیدگاه این گروه در مورد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است. در این بیانیه تاکید شده که راه حل دیپلماتیک بهترین راه برای حل نگرانی های بین المللی در مورد برنامه هسته ای ایران است اما برنامه جامع اقدام مشترک دیگر صرفاً یک مرجع یا منبع مفید برای این راه حل دیپلماتیک خواهد بود. این کلمات دقیقاً همسان با بیانیه وزرای خارجه کشورهای گروه ۷ در تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۲۳ است؛ در این بیانیه نیز برجام نه به عنوان راهکار نهایی بلکه به مثابه منبع مفید برای راهکارهای دیپلماتیک در نظر گرفته شده است. چرخش بزرگ گروه ۷ زمانی قابل درک است که به بیانیه وزرای خارجه این گروه در ۲۲ می ۲۰۲۲ توجه کنیم. (تغییرات بزرگ فقط در یکسال) در این بیانیه تاکید شده بود: «ما مجدداً حمایت خود را از احیا و اجرای کامل برجام مورد تاکید قرار می دهیم». تفاوت و چرخش دقیقاً در این دو جمله آشکار می شود:

به باور خسروشاهین، این چرخش یک معنای قطعی و روشن دارد؛ از نظر گروه ۷ برجام سال ۲۰۱۵ با همان مختصات و ویژگی ها دیگر قابلیت احیا ندارد و حداقل باید در آن تغییراتی متناسب با وضعیت موجود از حیث پیشرفت در برنامه هسته ای ایران و بالتبع آن تعهدات ایران انجام گیرد و یا در یک نگاه حداکثری توافق جامع دیگری بر پایه الگوی برجام جایگزین توافق سال ۲۰۱۵ شود. با این اوصاف به نظر می رسد مذاکرات هسته ای با پیچیدگی های بیشتری در هفته ها و ماههای آتی مواجه شود. از همین رو انتظار می رود غرب با توجه به چنین چشم اندازی دیپلماسی را با چاشنی بازدارندگی مورد پگیری قرار دهد؛ بازدارندگی از طریق تهدید به استفاده از اسنپ بک نه اعمال آن؛ و اقدامات نمایشی همچون انتقال جت های مجهز به بمب های سنگر شکن به منطقه (نه استفاده از آن ها) و تکرار بیشرمانوهرهای مشترک با اسرائیل با هدف شبیه سازی حمله به تاسیسات هسته ای ایران؛ همه این اقدامات انجام می شود تا از نظر غرب ایران از غنی سازی ۶۰ درصدی به عنوان یک خط قرمز اصولی عبور نکند و بدین وسیله شرایط برای برخی تغییرات در بندهای برجام یا توافق جامع دیگر فراهم شود؛ در غیر اینصورت آمریکا توافق ضمنی و غیر رسمی با ایران را همچون بحران موشکی کوبا دنبال خواهد کرد.

خسروشاهین افزود، بر این اساس آمریکا احتمالاً بطور ضمنی خطوط قرمزی برای ایران تعیین و اعلام می کند؛ در عین حال که ظرفیت هسته ای ایران را مورد پذیرش غیر رسمی قرار می دهد و در عین حال اجازه حمله بازیکر ثالثی را نیز نمی دهد اما ایران نیز در مقابل اجازه ندارد از غنی سازی ۶۰ درصدی عبور و به سمت سلاح هسته ای حرکت کند. این دقیقاً الگویی است که در بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ مورد استفاده قرار گرفت؛ یعنی زمانی که جان کندی رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، به محض آگاهی از حضور موشک های روسی در هاوانا، در پیام خود در شب ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ آماده باش نیروهای آمریکایی را اعلام و حرکت کلیه کشتی های شوروی به مقصد کوبا را ممنوع اعلام کرد. وی همچنین از نیکیتا خروشچف رهبر اتحاد شوروی خواست موشک ها را تحت نظارت سازمان ملل از کوبا خارج کند و این درخواست کندی از سوی کرملین در ۲۸ اکتبر مورد پذیرش قرار گرفت و در مقابل ایالات متحده نیز موشک های اتمی خود را از ترکیه خارج کرد. آمریکا احتمالاً تصور می کند این الگو قابلیت تکرار در مورد ایران و برنامه هسته ای اش را دارد. پس امکان دارد دولت بایدن و ایران در چارچوب این الگو، در اوج بحران و در لحظات آخر ترجیح دهند بر اساس دیپلماسی ضمنی و توافق غیر رسمی از برخی اقدامات خود عقب نشینی کنند؛ یعنی آمریکا از توسل به قدرت سخت افزاری خودداری کند (بازدارندگی جانشین کنش سخت افزاری) و ایران نیز از حرکت به سمت ساخت سلاح و عبور از غنی سازی ۶۰ درصدی صرف نظر کند. در اینجا برای ایران ترجیح حفظ و حراست از ظرفیت هسته ای خواهد بود.